

کتابخانه
ایران
جمهوری

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

روزه جنگ ایران

خبرنامه جنگ

- بمباران کرمانشاه صدها کودک و زخمکش را به خاک و خون کشید صفحه ۵
- ارتشیان عراق چگونه اسلام می آورند صفحه ۸
- فرماندار کوچصفهان فالانژها را علیه سازمان پیکار بسیج میکند صفحه ۶

رژیم ۳ پیکارگر دلاور را در خوزستان جنگ زده تیرباران کرد

صفحه ۲

جنگ و گروگانهای آمریکائی و اسلحه آمریکایی

جنگ ارتجاعی ایران و عراق فرصتی است تا ارتجاع ایران بتواند مناسبات خود را با امپریالیسم خونخوار آمریکا عادی سازد. همانطور که میدا نیمه های حاکمه ایران یکسال پیش برای آنکه جنبش خلق ایران را به انحراف بکشانند و پایه های متزلزل خود را تثبیت نماید، به اشغال سفارت یانکی ها و گروگان گیری جاسوسان آمریکا اقدام نمود. رژیم ایران در بوق و کرنا فریاد زد که: "این است مبارزه فدا مپریالیستی".

حال آنکه این فریبی بیش نبود. رژیم ما هیتا نمی توانست برعلیه امپریالیسم آمریکا مبارزه کند زیرا اواز سرمایه داری وابسته پاداری کرده و جنبش و انقلابیون را سرکوب می نمود و این امر همچنان ادامه دارد. این رژیم اساس قراردادهای اسارت بار با امپریالیسم آمریکا را حفظ کرده ولی در همان حال بدروغ فریاد میزد که با اصطلاح فدا مپریالیست است.

امروز یکسال پس از واقعه سفارت و در جریان جنگ ارتجاعی ایران و عراق ماهیت فریبکارانه رژیم بنحوی آشکاری برملا می شود. رژیم که تا بحال از گروگانها برای منحرف ساختن توده های مردم استفاده میکرد، در حال حاضر که استفاده های خود را از آن کرده و در عین حال احتیاج به اسلحه آمریکا دارد، در پی آن است تا در مقابل استرداد گروگانهای جاسوس تانک و فاشنوم آمریکا در یافت کرده و قطعات پدکی مورد نیاز خود را تا میسر بقیه در صفحه ۲

جنگ، تبلیغ خرافات، فریب توده ها

صفحه ۸

ادامه جنگ و تشدید خفقان و سرکوب و برخورد سازشکارانه رهبری مجاهدین

صفحه ۸

کود تاچیان خائن آزاد میشوند

صفحه ۵



حرفهای مردم درباره جنگ

صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

رژیم ۳ پیکارگرد لاورا در خوزستان جنگ زده تیرباران کرد

در شرایطی که رژیم با آزادی گروگانهای جاسوس، نزدیکی بیش از پیش خود را با امپریا لیسم نشان میدهد، در شرایطی که رژیم بدروغ با عنوان مبارزه با امپریا لیسم، توده های منطقه جنگ زده را در نبردنا عادلانه با دولت ارتجاعی عراق به کشتن میدهد، رژیم خفقان و سرکوب را تشدید کرده است و بدین ترتیب به ترور و تیرباران کمونیست ها و انقلابیون پرداخته است.

رفیق پیکارگر شهید شکرالله دانشیار مسئول چادر امداد هوا داران سازمان پیکار در آبان در بجرم عشق به زحمتکش و کمک به مردم جنگ زده و هوا داری سازمان در ۲۷ مهر تیرباران میشود و پس از آن خلغالی جلاد، دو پیکارگرد لاورا دیگر را در آغا جاری بدون بازجویی در یک دادگاه صحرایی بدون آنکه اجازه دفاع به رفقایمان را بدهد تیرباران میکند. این دور رفیق رفیق محمد اشرافی کارگر کمونیست صنعت نفت و رفیق منوچهر نیک اندام، معلم کمونیست، که در زمان شاه نیز دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفته بودند، بجرم پخش اعلامیه سازمان تیرباران میگردد. رژیم هیچ مدرکی از رفقای ما در مورد پخش اعلامیه نیز نداشته، فقط عنوان میکرد که روز قبل در شهر اعلامیه پیکار پخش شده است جان حسرتی شهبازی کا بنیدای مورد

حمایت سازمان در آغا جاری که یک نفتگر انقلابی است به همراه عده ای دیگر از هوا داران سازمان در خطر است. رژیم بیهوده می اندیشد که با ترور و تیرباران انقلابیون و کمونیست ها میتواند مانع آگاهی توده ها شود. رژیم نمیتواند دست خون آلودش را در سرکوب زحمتکش و کشتار انقلابیون و کمونیست ها بشوید. ما چهره کریه این رژیم جنایتکار را به توده ها نشان خواهیم داد و با همراه رفیقان شهیدمان تا آخرین نفس با امپریا لیسم و ارتجاع خواهیم رزمید. بقول رفیق شهید منوچهر نیک اندام در ملاقات با همسرش در شب تیرباران:

"دشمن به ما کینه دارد و در رحم نخواهد کرد، ما هم نباید با او رحم کنیم مبارزه طبقا تی یعنی بی رحمی نسبت به دشمن طبقا تی."

آری، رفقا ما کینه شما را که کینه میلیونها زحمتکش ایران بود در دل خود حفظ میکنیم و تا نبودی ستمگران و جنایتکاران و پیروزی زحمتکشان به مبارزه آشتی ناپذیر خود ادامه میدهم ما به خون پاک شما شهیدان انقلاب سوگند یاد میکنیم که به آرمان نشان که آرمان طبقه کارگر بود تا آخرین نفس وفادار بمانیم.

یادشان گرامی و آرمانشان جاودان باد!

کارخانجات قند اسلام آباد و بیستون کار خود را از دست داده و عده زیادی از زحمتکش این مناطق زخمی شده اند در روزهای نخست جنگ نیز در شهرک "اما خمینی" ۱۴ زحمتکش به هلاکت رسیدند. در اتریشمباران روستاهای اطراف کرمانشاه ۱۵ الی ۲۰ دهقان زحمتکش شهید شدند و آسیب فراوانی به زمینها و وسایل کشاورزی آنها وارد آمد. بیکاری و فلاکت رمان این جنگ برای کارگران و زحمتکشان است.

بقیه از صفحه ۳ خبرهایی...
کارخانجات قند اسلام آباد، این کارخانه سه منهدم و غیرقابل استفاده گردید. بهنگام بمباران کارگران در کارخانه نبودند آنان علیرغم تهدیدها و فشارهای مقامات دولتی حاضر شدند در شرایط جنگی و در زیر باران بمب ها بکار مشغول شوند. ولی یک کارگر زحمتکش بنا محسن با قری در زیر آوارمانده و زخمی شد. و سه نفر دیگر به سختی مجروح گردیدند.
در این جنگ ارتجاعی ۸۰۰ کارگر

بقیه از صفحه ۱ جنگ...

نماید. این اقدام و مسئله را به روشنی اثبات میکند:

اول آنکه هماهنگیها صورت گرفته اند بین رژیم ایران و امپریا لیست نیست و هرگز نمی توانند با آزادی گروگانهای جاسوس و حرکت در جهت برقراری مناسبات عادی با آمریکا این امر را بوضوح اثبات میکند.

دوم آنکه رژیم ایران برای پیشبرد این جنگ ضد مردمی از امپریا لیسم آمریکا اسلحه و مهمات خریده و از این طریق وابستگی ایران به امپریا لیسم را تشدید میکند.

بنا بر این رژیم جمهوری اسلامی خیانت را به اوج میرساند. اینان دیروز و امروزه آمریکا فحش داده و میدهند، اما در عمل به منافع آمریکا جواب مثبت میگویند. جنگ ارتجاعی عالمی گشته تا مناسبات میان ایران و آمریکا بهبودی پیدا کند. جنگ ایران و عراق عالمی گشته تا امپریا لیسم آمریکا مهمات جنگی خود را بیشتر بفروشد و سودهای بیشتری بجنگ آورد. جنگ کنونی عالمی گشته تا رژیم جمهوری اسلامی بیشتر مسلح گردد و بیشتر به سرکوب جنبش خلق و کمونیست ها و سایر انقلابیون بپردازد.

رویز یونیستهای حزب توده خائن و چریکهای فدائی (اکثریت) بدروغ می گفتند آمریکا میخواهد رژیم ایران را سرنگون کند. آنها با این تبلیغات دروغ در پی آن هستند تا توده های ستمدیده را با دشمن خود آشتی دهند، علاوه بر رویز یونیست یکسری از نیروهای انقلابی و کمونیست هم به این افکار انحرافی در غلبه و به این خاطر مردم را به شرکت در این جنگ ارتجاعی دعوت نمودند. اما واقعیات سرعت نشان داد که این جنگ ارتجاعی بر علیه خلق ما و خلق عراق است و تنها کسانی که از آن سود می برند رژیم های ایران و عراق و امپریا لیست های آنها هستند. آری این جنگ از جمله عمل در خدمت امپریا لیسم آمریکا قرار گرفته است. دولت کارتر گروگانها را پس میگرداند، موقعیت خود را در انتخابات آمریکا تحکیم میکند و از طریق فروش اسلحه سودهای جدیدی به جیب میزند.

توطئه های امپریا لیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می کنیم!

بمانید و کشته شوید تابه شما حقوق بدهیم!

در خبرهای قبلی گفتیم که (شما سی) یکی از مسئولین صنعت نفت اهواز در اطلاعیه‌ای به کارکنان صنعت نفت خطا کرده بود که غیبت کارکنان به حساب مرخصی سالیان آنها گذاشته شده و اگر از این حجتا و زعمایید، مرخصی بسندون حقوق به حساب می‌آید، کارکنان از خود می‌پرسند:

اولا: اگر جنگ طول بکشد و مرخصی بدون حقوق به ما تحمیل شود چگونه و بجه‌های خود را که اکنون آواره شهرها و روستاها هستند، نان بدهیم؟

دوما: مگر ما خواهان جنگ و ادا مه‌آن بوده و هستیم که ضرورتاً آنرا بپردازیم، مگر نه اینکه ما به به میل خود بیکه‌نا چار شده... ایما خوانده‌های خود را از زیر بمبارانها نجات دهیم، با این اطلاعیه‌ها، انگار که ما مسببین جنگ بوده ایم و باید تنبیه شویم؟! اما آخرین خبر از صنعت نفت حاکمیت که این آخرین "امتیاز" را هم از کارکنان گرفته و تمام مرخصی‌ها را لغو نموده‌اند و خطا کرده‌اند با کسانیکه غیبت نمائند طبق مقررات زمان جنگ رفتار میشود. بدین ترتیب رژیم میکوشد، مردم بیگناه را زیر بمباران توپها و تانکهای رژیم ضد خلقی عراق به کشتن بدهد، اما جواب مردم ما به این جنگ "نه" می‌باشد.

ارتش فاشیست عراق

مردم عادی را به گروگان می‌گیرد

در ادا مه جنگ ارتجاعی دولت‌های سر - کوبگرایان و عراق، رژیم فاشیستی بعث اقدام به دستگیری بسیاری از هم - وطنان بیگناه ما کرده است. در این خصوص نکات زیر قابل ذکر است:

۱ - ارتش مزدور عراق در هر شهر و جاده و روستائی که مختصر تسلطی پیدا میکند، اقدام به دستگیری مردم عادی که در جنگ شرکتی نداشته‌اند میکند. در ضمن مصالحه با اسرای ایرانی در رادیو عراق، بیسه

اخبار متفرقه جنگ

نامهای کسانی چون "کارمندان - سونگر" "معلم قصر شیرین" "محمل سربل - ذهاب" "کارگران حفاری صنعت نفت" و غیره بر میخوریم که خانواده‌های بسیاری را در نگرانی به سر نوشت کسان خود فرو برده‌اند.

۲ - تقریباً تمام اسرای دستگیر شده (چه ارتشیان سربا و چه افراد عادی) در مصاحباتی که بوسیله عمال دولت ضد خلقی عراق، با آنها میشود، خواهان این جنگ نبوده و علیرغم فشارهای رژیم - عراق، خواست خود را برای قطع این جنگ عنوان میکنند.

مردم جنگ زده

در راه‌ها نیز در امان نیستند

مردم جنگ زده جنوب که در پی پناها - هی خانه و زندگی خود را رها کرده و آواره بیابانها و راهی دیار دیگر میشوند در بیرون شهرها نیز مورد هجوم ارتجاعی عراق قرار میگیرند. چندی پیش گروهی از زحمتکشان آبادانی که عازم بندر ما - شهر بودند چندین بار مورد حمله عراقیها قرار گرفتند. در یکی از این حمله‌ها در اثر اصابت راکتی ۲۰ نفر از آوارگان جنگ - زده در جاده آبادان - ماهشهر به شهادت رسیدند.

رژیم از افشای حقایق وحشت دارد

سربازانی که از جبهه برمی‌گشتند و در جواب سئوالات مردم حقایق را به آنها می‌گفتند بوسیله فرماندهان مزدور خود از این کار منع شده و به آنها گفته میشد "برای حفظ اسرار نظامی" نباید همه چیز را گفت. بنی صدر نیز در نطق تلویزیونی ۲۳ مهر ما خود در مورد اخبار جنگ گفت: "دو نوع خبر داریم، بعضی اخبار روقایع است که خوب رسانها میگویند، بعضی اخبار جنگی است که اسرار نظامی ارتش است و باید پنهانند" (نقل به معنی) ارتجاع از بازگو کردن حقایق جنگ وحشت دارد.

"گوشت دم توپ سرمایه داران" یا "کیسه شن" در ارتش ارتجاعی

در پادگان سلطنت آباد ۱۵۰۰ نفر از افراد منقضی خدمت با صلاح دوره میبینند ولی با دیدگفت روز بروز مقامات افراد در مقابل جنگ غیرعا دلانه زیبا دتر میشود عده زیبا دئی که نان آورا خوانده هستند نگران سرنوشت خانواده‌شان هستند هنوز خبری از حقوق نیست.

افسر وظیفه‌ای میگفت "من برای چه به جبهه بروم؟! زکدا موطن دفاع کنم؟ وطنی که برای من ته‌کار دارد، نه خانه و زندگی؟! افسردیگری میگفت محال است حاضر شود به کردستان برود. عده دیگری هم قیلا به فرماندهان گفته‌اند "دشمن در جنوب است و شما ما را به کردستان میفرستید؟!"

تضا دبین در جاده‌ران و افسران بسیار زیبا داست کسی حاضر به رعایت نظم و انضباط دیگته شده از بالانیت. در جاده‌ران علنا به افسران میگویند که "شما به مردم خیانت میکنید و بهمین سادگی انرژی و پول مردم را تلف میکنید."

کارگر زحمتکشی که به زور به پادگان آورده شده است به افسران رشد میگفت که چرا وقت ما را بیخودی تلف میکنید، من به چه دردا رتس میخورم؟! افسر مزدور با بیرونی جواب داد: "از تو بعنوان کیسه‌شن استفاده خواهند کرد" آری این منطق فرماندهان مزدوری است که در نظام ارتجاعی بسیار آمده‌اند و اکنون مدعی فرماندهی "جنگ مردم" علیه "دشمنان میهن اسلامی" هستند خبرهایی از جبهه جنگ

خبرهایی از "جبهه غرب"

* - در اولین روز شروع جنگ، در اکثر آنها جمعیک‌های روسی ارتش بعث عراق بیش از ۱۴۰ نفر از مردم زحمتکش و بی‌دفاع این شهر به هلاکت رسیدند.

* - در همین روز در اثر حمله میگ‌های عراقی به مقر "هوانیروز"، ۶ کارگر - ساختمان‌ی به شهادت رسیدند.

* - در اثربورش هواپیماهای عراقی به بقیه در صفحه ۲

رژیم‌هایی که خلق‌های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

بقیه از صفحه ۸ ادامه...

ما هیت نا پیگیر خود به کرنش در برابر
هیات ها که ضد خلقی پرداخته و میکوشد تا
با اجازه سردمداران مرتجع رژیم فعالیت
خود را به پیش ببرد یکبار دیگر به بن بست
میرسد. این رهبری بدنیا ل تنها جسم
تبلیغاتی ضد انقلاب است و نشریه مجاهد
را متوقف کرد. مجاهدین سعی کردند در
مقابل تبلیغات ارتجاعی سکوت پیشه
کنند و دوباره از ضد انقلاب اجازه رسمی
محکمتری برای نشریه دریافت کنند. اما
ارتجاع به حرکت خود ادامه داد و همانطور
که می بینیم دو نشریه متعلق به این سازمان
که تازه به افشای ماهیت ارتجاعی جنگ
شیرداخته را ممنوع نمود. رهبری مجاهدین
فکر میکنند با مظلوم نمایی و عقب نشینی
میتوانند از ارتجاع امتیاز بگیرند. چنین
تفکری فقط بر اساس یک سیاست سازشکارانه
ممکن است. حال آنکه عقب نشینی ارتجاع
بدنیا ل فشار و مبارزاتی توده ها میسر است
و تازه انقلابیون و خلق ایران مبارزه
نمیکنند تا ارتجاع امتیازی بدهد. آنها
مبارزه میکنند تا خود به حاکمیت برسند. و
پیرای رسیدن به این امر امکانات
بیشتر مبارزه طبقاتی را با اتکاء به
توده ها بطور انقلابی بوجود میآورند. آری
ما برخلاف رهبری مجاهدین هیچ انتظار
نداریم که ارتجاع ایران برای نشریه
انقلابی اجازه بدهد. ما خارج از خواست
ارتجاع نشریه انقلابی را بطور انقلابی
چاپ کرده و در دسترس توده ها قرار میدهم.

حرفهای لبو فروش

۵۹/۲/۵

خیابان جمهوری، لبو فروش در ضمن
پوست کردن لبوها در مورد جنگ و نصیب
مردم زحمتکش از آن میگفت: "سربازان هر
دو طرف از مردم فقیر و بیچاره هستند که در
واقع هیچ دشمنی با هم ندارند و این
سرمایه داران هستند که آنها را به جان هم
انداخته اند و سودشان را هم خودشان می
برزند، والا از این گشت و گشتاها هیچ
چیز نصیب مردم زحمتکش نمی شود. سرمایه
سازان خودشان در پستهای وکالت و
وزارت و ریاست نهشته اند و به ما میگویند
که با پیرویدجه جنگ والا اعدا می شوید



کرده که با ۷ سرعاً ثلثه از کار اصلی خود که سه
قالب زنی بوده (وقلاً از این راه ۸ هزار
تومان در آمد داشته) بیکار شده و ناچار به
لبو فروشی روی آورده است که اینهم کفاف
خرج و مخارجش را نمیدهد و مرتب هم باید
با مردم عوا کند که چرا برای یک تکه کوچک
لبو ۲ تومان میگیرد، حال آنکه او برای
گذران زندگی خود عوا ثلثه اش در همان حد
بخور و نمیر، ناچار است لبو را به این قیمت بفروشد

وضعیت ما مستضعفان همین است که اگر
اینجا بما نیم اینها سرگوبمان میکنند و
اگر به جنگ برویم آنها تازه در صورت
پیروزی هم هیچ چیزی نصیب ما نخواهد شد
و با زاین سرمایه داران هستند که با خود
را خواهند بست و سودشان را خواهند برد.

بعداً و در مقایسه با زندگی سرمایه داران،
از فشار رگرانی و زندگی سخت خود صحبت

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را
محکوم می کنیم!

کودتایچیان خان آزاد میشوند

تاکنون ۶۰ نفر از کسانیکه در توطئه "خانشانه" کودتا شرکت داشته اند، مورد عفو آیت الله خمینی قرار گرفته اند. اما "برادران" به جبهه جنگ بروند. آیا به راستی مردم ما "خانشان" یک ماه پیش را "برادران" امروز "خودمیدانند؟ هرگز! از جمله "خانشان" "آ" زاده شده، فرمانده سابق دژبان معیاشی، سرهنگ فرزانه (که به فرماندهی پا دگان در قول منصوب گردید) سرهنگ موسوی زادگان، سروان ضیائی و سروان علی یاری می باشند.

جالب است که یکی از همین "برادران" آزاد شده، خود را تسلیم مقامات عراقی کرده است. این جنگ موقعیت دیگری است تا مردم ما به ما هیت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی واقف شوند: آنان با فرماندهان مزدور کودتایچی وحدت میکنند تا به اهداف ارتجاعی خود برسند. آیا به راستی جنگی که چنین فرماندهانی آن را هدایت میکنند میتواند دلائل باشد؟

پایگاه نوژه (همدان): سرگرد خلبانی که قبل از جنگ در دزفول به اتهام "زنای" به ۸۰۰ ضربه شلاق در ملاعام و انفصال از خدمت محکوم شده بود پس از آغاز جنگ مجدداً دعوت به خدمت شده و بمب های "اسلامی" را بر روی مردم "کافر" عراق می ریزد. رژیم چنانیکاری که دختر ۱۸ ساله حامله ای را به همین دلیل اعدام کرده است. برای رسیدن به هدفهای خانشانه خود از افسران مزدور خراجی استفاده می کند و شب و روز دم از "تقوی" و "زهد" و "ایمان و ایثار" میزند.

سرهنگ دوم منوچهر خلیلی فرمانده اکیپ تاج طلایی (عالیترین اسکادران نیروی هوایی شاه) که پس از قیام بهمن بازنشسته شده بود به دعوت بنی صدر دوباره بکار گرفته شده است. البته وی ابتدا مخالفت کرده ولی با یک مهلت ۲۴ ساعته این "دعوت" را پذیرفته است. قیافه بنی صدر در برنا مه با ملاحظ فلسفی اش در تلویزیون بسیار دیدنی! است هنگامیکه به کمونیست ها ایراد میگیرد که گویا آنها معتقدند "هدف وسیله را توجیه میکند!!".

بمباران کرمانشاه صدها کودک و زحمتکش را بخاک و خون کشید

پنجشنبه ۲۴ مهر ۵۹ ساعت ۱۱ صبح ایستروزیبا دیگر ارتش ضد خلقی عراق مناطق مسکونی را بمباران کرد. در این فاجعه دو فروند میگ عراقی ارتش مرتجع عراق بمب های خود را بر روی مدارس رشیدی، کزازی، شاپور و دانشگاه رازی فروریخت. در این مدارس بیشتر فرزندان زحمتکشان مشغول تحصیل هستند. هنگام بمباران در دبستان رشیدی ۲۴۰ کودک با فشار آموزش و پرورش اجباراً سرکلاس ها بودند که دو بیست نفرشان به شهادت رسیدند. در دودبیرستان دیگر به علت نبودن محصل فقط به خدمت زحمتکش آنها آسیب رسید. بخش پزشکی رازی در شلوغ ترین منطقه شهر (میدان آزادی) قرار دارد و در زیر ساختمان آن هر روز ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ نفر دست فروش زحمتکش به فروش سبزیجات و دیگر مایحتاج مردم اشتغال دارند. در بمباران وحشیانه ایستروزا کشر این زحمتکشان به فجیع ترین شکلی به شهادت رسیدند.

شماره این جنگ تحمیلی غیر عادلانه برای مردم زحمتکش کرمانشاه شهادت بین ۵۰۰ الی ۷۰۰ نفر کودک بیگناه و افراد زحمتکش (آنهم فقط در یک روز) بود. مقامات رسمی کرمانشاه برای کاهش خشم مردم آن واقعه جنگ را اعلام نکردند و فقط یک ده کشته شدگان را اعلام کردند. سیدزاده رئیس آموزش و پرورش و معاونش که از مسببین کشتار دانش آموزان (بخاطر روانه اجباری آنها به کلاسهای درس) بودند با هراس از خشم مردم در بین مردم جنایت و کشتار را به آنان و کل رژیم منفور خا کم خواهند داد.



رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه سرکوب خلق قهرمان کرد، سربازان حرفه ای اجیر میکنند

آگهی زیر در اطلاعات پنجشنبه هشتم آبان ۵۹ به چاپ رسیده است.

پنجشنبه هشتم آبان ماه
۱۳۵۹ - شماره ۶۶۷۸

استخدام سرباز قراوردادی

مئات مشترک ارتش جمهوری آذربایجان سابق با همراه داشتن اسلحه ایران در روز اعلام شایسته مکرر در مراکز جمع کرد. لشکر بیست و هشت و بیست و نه نام کنند. سربازان برای تکمیل کادرهای آموزش و پرورش باید دارای این به ۱۳۹۱ نفر سرباز احتیاج شایسته باشند: ۱- دارای بودن دارد. گمانی که به استخدام برگزیده خدمت. ۲- داشتن قرارداد برای مدت یکسال در سلامت جسمی و قلبی و دارای این لشکر تمایل دارند، میتوانند ارتش جمهوری اسلامی ایران. همه روزه از ساعت هشت الی چهار باستانی روزهای سال تعطیل به مرکز صفر یک وارد. واقع در خیابان میرزای فتح اسلام، تهران.

نیازی به توضیح اضافی نیست رژیم در کرمانشاه ارتجاعی و تحمیلی بین ایران و عراق در ادامه سرکوب وحشیانه خلق کرد و توانی مزدوران سرکوبگرش و نیز خا فرشتن سربازان برای اعزام به کردستان و کشتار خلق کرد مجبور به استخدام سرباز مزدور گشته است. رژیم های ارتجاعی از تجربیات امپریالیست ها برای ادامه حکومت و سرکوب زحمتکشان بهره برده و خواهند بود. رژیم جمهوری اسلامی از اعزام مزدوران "لژیون خا رجی" امپریالیسم فرانسه به اعزام بیوایستخدام مزدوران سفید پوست از طرف امپریالیست های بلژیک برای کشتار خلق گشکو و... به خوبی درس گرفته است و آنرا در مورد خلق قهرمان کرد که از یک طرف مبارزه قهرمانانه اش رژیم را به زانو انداخته و از طرف دیگر حق نیست مبارزه اش برای سربازان و ارتشیان نا- آگاه و نیز روشن میشود بطوریکه بخش بزرگی از آنان دیگر خا ضربه جنگ با خلق کسود نیستند، بکار می گیرند، ولی مزدوران و سربازان حرفه ای رژیم نیز در مقابل کوه دلی خلق دلاور گرد نخواهند توانست کاری از پیش ببرند.

بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

فرماندار کوچصفهان فالانژها را علیه سازمان پیکار بسیج می کند

رژیم جمهوری اسلامی، تا تسوا ن از خا موش کردن جوش انقلابی زحمتکشان تا توان ازپاسخگوئی به بحران اقتصادی - سیاسی کشور، تا توان از جلوگیری کردن فروریزی توهما ت توده ها، تا توانی از سدوما نغ شدن در برابر مستگیری توده های ناراضی بطرف نیروهای انقلابی و کمونیست، درگیر جنگ بین ایران و عراق میشود. روشن است که سیاست رژیم جمهوری اسلامی در موقع جنگ ادا مه همان سیاست قبل از جنگش می باشد. روشن است که سیاست رژیم جمهوری اسلامی بعد از جنگ در ادا مه همان سیاست قبل از جنگ و در طی جنگش می باشد. او میخواهد کاری را که در قبل از جنگ تا توان از آن بود، در طی جنگ و بعد از آن به انجام برساند، او میخواهد از شرایط بوجود آمده محملی سازد برای سرکوب بی امان نیروهای انقلابی و کمونیست، او میخواهد بیهای متزلزل حکومتش را در شرایط بوجود آمده استوار سازد، پس روشنتر است که بعد از حملات فاشیستی او بیشتر سوسی پیگترین و انقلابی ترین و سازشنا پذیرترین جریان با ید باشد، این است که بطور روشن از آغاز جنگ بیشترین حملات بیشترین تهاجمات بیشترین یورش به سازمان پیکار و هواداران آن صورت می پذیرد. حوادثی که در شهر کوچصفهان از توابع لاهیجان میگذرد هیچ چیز نیست جز همان سیاست سراسری رژیم جمهوری اسلامی در قبل از جنگ، در طی جنگ و بعد از آن. "جنگ ادا مه سیاست است": درستی این نظر را حتی کارگزاران بومی رژیم جمهوری اسلامی هم با گفتار و هم با کردار خود اثبات میکنند:

روز جمعه (۵۹/۷/۱۸) مجلس ترحیم یکی از کشته شدگان طی جنگ در مسجد کوچصفهان برگزار میشود. کریمی فرماندار لاهیجان که تازه دشمنی اش با نیروهای انقلابی و کمونیست در سراسر منطقه پیچیده است در سخنرانی اش به هواداران پیکار هشدار میدهد که اگر باز هم به فعلیست خود ادا مه دهند همه را نابود خواهد کرد و به مردم میگوید: "هر کجا که

پیکاری ای را دیدید که علامه یخش میکند و شعار مینویسد، حق دارید دستش را ببرید و گردنش را بزنید" او میگوید: "بعد از جنگ ما با سه نیرو کارداریم: دمکرات، کومله پیکار" آری! "جنگ ادا مه سیاست است" سیاست یک طبقه معین، یک دولت معین در قبل از جنگ، در طی جنگ، در بعد از جنگ بعد از آن فالانژهای شهر در کوجه و با زار درشت نویسی نصب کرده و با آن را روی دست گرفته و در شهر می چرخانند که: هشدار به پیکاریهای کوچصفهان اگر باز هم به فعلیست ادا مه دهید دست و سرتان را می زنیم."

روز سه شنبه ۵۹/۷/۲۲ در تشریح جنازه یکی دیگر از کشته شدگان طی جنگ، در این شهر شعارهای تحریک کننده بر علیه سازمان پیکار داده میشود: "مرگ بـــ پیکار" "این سند جنایت پیکار است" و با زهم در سخنرانی های همین شیع جنازه همان هشدارها داده میشود و اینکه بعد از جنگ حسابتان پاک است. آنان تهدید کردند که هیچ پیکاری از فردا حق ندارد در شهر فعلیست کند.

آری، جوفاشیستی را که کارگزاران بومی هیات حاکمه میخواهند در شهر کوچصفهان بوجود آورند جدا از سیاست آنان در سایر شهرهای ایران نیست.

آیا راه "مرز" به کردستان ختم میشود؟!

در پی تبلیغات شونینستی ارتجاع و توهم توده ها (که روز بروز میشوند) در اوائل مهر ماه ۲۰ نفر از کارکنان حفاظت فرودگاه مهرآباد و طلب اعزام به مرز عراق میشوند. آنها را به کرمانشاه می برند. فرماندهان این گروه به مرزا اعزام می شود و باقی در اختیار سپاه پاسداران قرار میگیرند. سپاه پاسداران آنها را به "باید با کردها بجنگید" و "ا طلبان که از عملکرد رژیم سخت عصبانی بودند" پاسخ

نحوه "پاکسازی" خلق کرد از زبان يك "پاسدار"

یکی از پاسداران میان دو آب در جمعیت از "خلع سلاح" روستائیان کرد تعریف میکرد و میگفت که "کردها به هیچ وجه حاضر نیستند اسلحه هایشان را تحویل دهند و ما پس از درگیری فراوان و بزرگشکنجه موفق می شویم زده ها خانیک قبضه سلاح بدست بیاوریم. حتی اغلب کار به تیراندازی هم میکشد و اگر زور ما بچربد حتما درگیری - شویم مثلا در یکی از دهات که مردم مقاومت میکردند و سه ساعت درگیر شدیم و پس از کشتن ۳۰ - ۱۹ نفر از آنها بقیه را فراری دادیم. خود این پاسدار سرما به با افتخار به کشتن چندین زحمتکش کردا قرا میکرد آری! خلق قهرمان کرد در راه دفاع از حقوق خویش به پیکار خونین با ارتجاع ادا مه میدهند و هرگز سلاح از کف نخواهد داد. پیروزی او در گرو مبارزه انقلابی اوست.

شهادت رفیق رضانی

در مبارزان مناطق مسکونی توسط رژیم ضد خلقی عراق، تعداد زیادی از زحمتکشان میهن ما به شهادت رسیدند. رفیق حمیدرضا رضانی هوادار سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر در کرمانشاه نیز در مبارزان مناطق مسکونی به شهادت رسید، یادش گرامی باد.



میدهند که "ما برای جنگ با ارتش عراق آمده ایم نه با کردها". گروهی از آنها بر میگرددند و سایرین میمانند که در صورت امکان به مرزا اعزام شوند. جنگ ارتجاعی با ارتش بعث عراق ما نفع از آن نمیشود که سرکوب خلق کرد کا هاش پیدا شما بدور رژیم در یوش جنگ با عراق مرتباً نیروهای مزدور را در کردستان تقویت میکند. ارتجاع دشمن اصلی خود را به ترمی شناسد برای او انقلاب توده ها بسیار خطرناکتر از ارتش ارتجاعی عراق است

مصاحبه بایکی از کارگران مبارز پالایشگاه نفت آبادان

آنچه در زیر می آید قسمتی از مصاحبه ای است که بایکی از کارگران مبارز آبادان در رابطه با جنگ ایران و عراق انجام گرفته است :

سوال : برخورد کارگران با مسئله جنگ آتش گرفتن و از زمین رفتن پالایشگاه چگونه بوده است ؟

جواب : در همان اوایل جنگ تحت تاثیر احساسات ناسیونالیستی کارگران و کارمندان تلاش میکردند تا جلوی صدمات را بگیرند، احساس مسئولیت شدیدی برای حفظ پالایشگاه در کارکنان دیده میشد کارگران در جریان خاموش کردن، پسر کردن گونی های شن و خاک و جیدن آنها درجا های جاس پالایشگاه برای حفظ دستگاه ها، جایجائی قطعات و دور کردن آنها از تیررس توپخانه عراق و... شرکت فعال میکردند اما بدلیل کمبود امکانات و تجهیزات آتش نشانی و بدلیل وسعت بیش از حد آتش، کارگران هر چه بیشتر تلاش میکردند کمتر نتیجه میگرفتند، ضمناً آنها میدیدند رژیم برای حفاظت پالایشگاهی به این عظمت هیچ کاری صورت نداده و نمیدهد، تنها سه سنگریا کیسه های شن وجود داشت که در آنها سه نفر با تفنگ ۳۰۰ مستقر بودند، کارگران ابتدا انتظار داشتند که وسائل دفاعی از طرف رژیم ارسال شود اما چون خبری نشد و از دست خودشان هم کاری ساخته نبود دچار احساس نا اطمینان شدند، در همین زمان میگ های عراقی به منطقه حمله کردند، مردم بیدفاع برای خروج از شهر هجوم آوردند هجوم مردم و کارگران برای رفتن از شهر به علت نبود امکانات دفاعی و بیگانگی نسبت به مسئله جنگ و آت را از خودتداستن وعدم اطمینان به ارتش و دولت بود رژیم ناکزیر شد با تبلیغ و تهدید، کارگران و کارمندان دولتی را وادار به ماندن در شهر کردند، مثلاً احضار فرهنگیان که با حمله عراق به آموزش و پرورش ۲۳ نفر از معلمان کشته شدند، در همین حال رژیم مرتب تبلیغ میکرد که این مردم هستند که در جبهه های نیروهای عراقی می جنگند، در

حرفهای مردم درباره جنگ

حالی که از ادبیات و تلویزیون خویش مرتب مردم شهر و کارمندان را تهدید می نمود که اگر نه هر ا ترک گویند طبق مقررات زمان جنگ "با آنها رفتار نخواهد کرد".

برای جلوگیری از خروج کارگران و کارمندان از شهر، مسئولین پالایشگاه فردی را بعنوان "مسئول پرسنل" انتخاب کرده که کارکنان می بایست روزانه خود را به او معرفی نمایند. کارگران اعتراض میکردند که جمع کردن کارگران در یک نقطه و حضور و غیاب آنها، چیزی بجز دسته جمعی به قتلگاه بردن نیست. در دومین روز اجرای این برنامه، با اصابت راکت میگ های عراقی به محل معرفی روزانه "ستاد عملیاتی تعمیرات صنعت نفت" ۶ کارگر کشته و ۱۵ نفر زخمی شدند. این موضوع خشم کارگران را برانگیخت.

سوال :

با توجه به مسائلی که گفتید نظر کارگران و کارمندان درباره رژیم های ایران و عراق چیست ؟

جواب :

قبل از جنگ به علت فشارهای اقتصادی و سیاسی رژیم ندادن تحالیل شوراهایشان و دستگیری نمایندگان مبارز و پاک کردن مزایا... توهم کارگران و کارمندان به رژیم ناعادی شکسته شده بود، اما با شروع جنگ با توجه به تبلیغات شبانه روزی رژیم از یک سو و وجود احساسات ناسیونالیستی توهم دوباره نسبت به رژیم و تنفر از رژیم عراق بالا گرفت، اما تدریجاً به دلیل عدم توجه به جان مردم، وجود نداشتن وسائل دفاعی و امنیتی در شهر، آت هیجانات ناسیونالیستی فروکش کرد و آنان به جرئت میتوان گفت که ۹۰ درصد مردم آبادان چه آنهایی که رفته و چه آنهایی که مانده اند خواهان قطع جنگ هستند.

سوال :

با توجه به مسئله جنگ، کارگران هم اکنون به غیر از مسائل بالا که گفتید، با چه مسائل دیگری دست به گریبان هستند ؟

جواب :

مدتها قبل از جنگ، رژیم به بهانه های مختلف از حقوق و مزایای کارگران کم میکرد، حالا هم رژیم از جنگ استفاده کرده و حقوق کارگران را می پردا زد و بیه کارکنان میلیگی که حداکثر بیشترا ۲۰۰۰ تومان نیست به عنوان مساعده و علسی - الحساب میپرداد که مشکل بزرگی برای کارکنان پیش آورده است، بخصوص اینکه اغلب کارگران و کارمندان خانواده های خود را به مناطق امن تر فرستاده اند و در حقیقت دو خرجه شده اند، علاوه بر تمام این مسائل، مسئله از بین رفتن پالایشگاه و خطر بیکاری (کارشناسان تخمین زده اند که با زسازی بعضی از قسمتهای پالایشگاه ۱۵ سال و بعضی دیگر از قسمتها حداقل ۳ سال طول خواهد کشید) نیز وجود دارد.

کارگران و خلقهای میهن، بایست بدانند و آگاه باشند که هدفهای دور رژیم ارتجاعی ایران و عراق چیزی جز سرکوب خلقهای خود و خلقهای کشور دیگر نیست و این هدفها را خلقهای زحمتکش ایران نه تنها در افشاریه های کمونیستهای واقعی بلکه در تجربیات روزمره خویش نیز درک میکنند

افشاگری زن عرب

۵۹/۸/۲

در وسط جاده ابوبان کرج بود که اتوبوس نگه داشت و یک زن همراه با سه بچه سواری شدند. وقتی را ننده بلیط خواست زن گفت که من از جنگ زده ها هستم، نیمه پولی دارم نه سربانی، مدتی است در کنار یک باغ توی بیابان زندگی میکنم چند دفعه به مسجد کرج رفته ام ولی هیچ توجه ای به ما نکرده اند، شوهرم در صنعت نفت کار میکند، آنجا مانده و برای این رژیم داره جون میکنه و من و بچه ها ییش توی این شهر و آن شهر سرگردون هستیم، تابحال یکی یکشاهی هم به ما کمک نکرده، در همین موقع یکی از عقب اتوبوس گفت تقصیر این عراقیهاست، زن گفت این چه حرفیه؟ وقتی ایرانیا دست خلیانان عراقی را قطع میکنند آنها هم سربازهای ما را می کشند، من عرب هستم و می دانم هر دو آنها دارند چکار میکنند، ولی حرف ما می زنم و از هیچ چیز ترسی ندارم بگذار اعدام کنند، موقعی که میخواست پیا د ه شود بنا را احتی به رژیم و آخوندها فحش میداد و میگفت: این جنگ بجز بدبختی برای ما هیچ چیز دیگری ندارد.

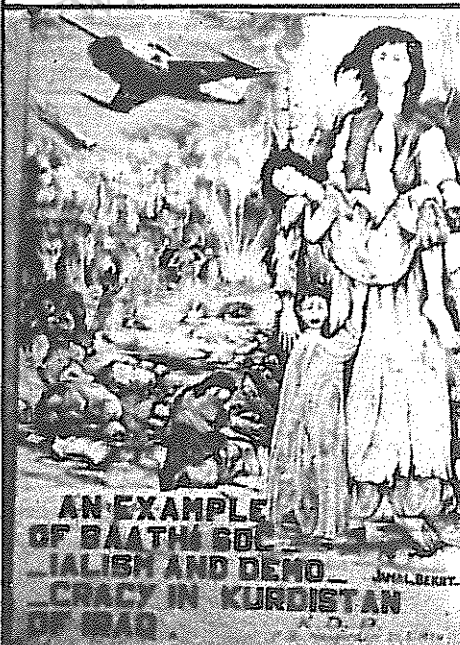
ادامه جنگ و تشدید خفقان و سرکوب ارتشیان عراق چگونه اسلام می آوردند؟ و برخورد سازشکارانه رهبری مجاهدین

جنگ، تبلیغ خرافات، فریب توده ها

تبلیغات فریبکارانه ای که رژیم جمهوری اسلامی، بر سر "سرهنگ مؤذن" و "چشم" ها پیش برده اند خسته نندشان دهنده سوءاستفاده سردمداران حکومت از توده ها و مذهبی توده ها و تبلیغات سرا سردروغ و ریاکارانه آنان است. این فرومایگان ابتدا این افسران را تشنه هشا هی (*) را (که جراحاتی برداشته بود) "کور" "قلمداد کردند و سپس با یک "معجزه" دوباره بینا پش کردند. اما واقعیت چیست؟ چنان این "سرهنگ" مختصر جراحات تیبی برداشته بود که احتیاج به مداوا با آنتی بیوتیک داشت. وی بایست دوسه روز با دارو و پانسمان میشد و طبیعتاً می بایست چشمش را می پوشاندند و بعد هم دارو را برمی داشتند که همینطور هم دولی در این فاصله با استفاده از تلویزیون و دیگر دستگاه های تبلیغاتی گوش کرکن او را "کور" کردند تا بعداً با یک "معجزه" شفای دهند و با استفاده از معتقدات مذهبی مردم، حقانیت این جنگ ارتجاعی و الهی بودن این کارزار را تبلیغ نمایند این سرهنگ مزدور که در بیمارستان پسران بستری بود، حالش کاملاً خوبست خودنمایش تلویزیونی که وی هنرپیشه اصلی آن بود و با فریادهای فریبکارانه و "شهادت طلبانه" اش احساسات مردم را به بیبازی گرفته بود، خودمویدین نظراست. اما واقعیت های تلخ و شیرین جامعه حقایق را به مردم با زگوخواهند کرد و با شکستن هر چه بیشتر توده ها و مردم زحمتکش دیگر جانی برای تبلیغ خرافات ریاکارانه باقی نخواهد ماند.

(*) - وی که قبل از قیام مدرجه سرگردی داشت، معاون دپوی ترابری ارتش در تهران بود و مدرجه مزدوریش بعدی بود که بهنگامیکه در اوج مبارزات توده ها در سال ۵۷، شاه جلاد برای انحراف افکار توده ها مذبحه "پیامی" "سراسر فریب و ریا که حاکی از "ندامت" و "پشتیبانی" ... او بود، فرستاد، وی زار زار میگریست و به کادرها میگفت: "شاهنشاه را چقدر تحت فشار گذاشته اند که چنین نطقی فرمودند!"

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی مرتب دام زبناهنده شدن "برادران"، نظامی عراق به ایران میزند. اما خوبست واقعیت را از دهان سربازانی که در خط مقدم جبهه هستند بشنویم، سربازی که از جبهه جنگ بر میگشت میگفت: "ارتشیان عراق هرگاه در منگنه قرار میگیرند و طوری محاصره میشوند که راه فرار ندارند، تا آخری گلوله خود را بطرف ما شلیک کرده و پس از شماندن مهاجمان، دستها را بالا برده و خمینی گویان و خنده کنان بطرف ما می آیند، پاسداران هم الله اکبر گویان شعار "دروبر برادر عراقی" میدهند، و آن ها را در آغوش میگیرند و بعد تبلیغات گوش کرکن بیرامون "اسلام آوردن" ارتشیان عراق برامی اندازند. بطوری که در محله ها یک افسر عراقی از قبول وی میگوید: "من حالا فهمیدم که انقلاب از "حوزه علمیه قم" صادر میشود." آری اسلام آوردن اینها هم مانند اسلام آوردن افسران شاهنشاهی است. و رژیم جمهوری اسلامی به همه این اسلام آورده گان احتیاج دارد؛ اولی را برای تبلیغات و فریب مردم و دومی را برای گشتا رتوده ها.



تصویری از بمباران خلق کرد توسط رژیم ارتجاعی عراق.

فریاد گودنشین و بازوی انقلاب ممنوع الانشار اعلام شد

تهران- خبرگزاری پارس- دادستانی کل انقلاب تعبیر رسمی مطبوعات امروز اطلاعیه ای باین شرح انتشار داد: **بسمه تعالی** در این شرایط حساس و سرنوشت ساز است اسلامی ایران و این مردم قهرمان و شهید پرور که فرزندان خود را جهت حفظ مرزبوم خطه اسلام و صدور انقلاب اسلامی به تمام ملل خنثی جهان که قربانگاه درخشان صدای میفرستند تا با اینارخون ترخان ایرقندتهای شرق و غرب و عاملین این جنگ تحلیلی را به وحشت اندازند و نیاز به تقویت روحیه دارند این گروهکهای باضطلاع ضد امپریالیستی در روزنامه ها و نشریات خود بندهای این جنگ

جنگ ارتجاعی ایران و عراق فرصت مناسبی است تا رژیم فدا نقلابی خاکم خفقان و سرکوب را گسترش دهد. ارتجاع میگوید انقلاب را خفه میکنند و در این راه کمونیست ها را به جوخه عدا می بیند. انقلابیون را دستگیر میکنند و به زندان می اندازند و نشریات مترقی را بیش از هر زمان دیگر مورد سرکوب قرار میدهد. ارتجاع خاکم زدی بر بازو دشمنی خود را بطور آشکار نسبت به روزنامه ها و نشریات کمونیستی و انقلابی نشان داده است. او در حالیکه در این زمینه بیشترین امتیازات را به رویزیونیست های خائن مانند حزب توده و رنجبران داده است همه نشریات مترقی را ممنوع اعلام کرده است. اخیراً با استفاده از شرایط جنگ دوشهریه "فریاد گودنشین" و "بازوی انقلاب" که متعلق به سازمان مجاهدین می باشد را ممنوع الانشار اعلام نموده. رژیم حتی از ذره ای افشاکری از ما هیت جنگ و حقایق آن در نزد توده ها و حشدارد. به این خاطر این دوشهریه را ممنوع اعلام کرد و یکبار دیگر ضدیت خود را با آگاهی توده ها، نیروهای انقلابی و مترقی و در اینجا مجاهدین نشان میدهد. اقدام ارتجاعی جمهوری اسلامی در عین حال افشاکننده سیاست سازشکارانه رهبری مجاهدین در قبال هیت خاکمه میباشد. رهبری مجاهدین که بر اساس بقیه از صفحه ۴

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق!